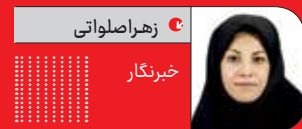


گفت‌وگو با مختار سائقی درباره مسیری که در بازیگری آمده است

هنوز می‌خواهند نقش معتاد را بازی کنم



زهرا صلواتی

خبرنگار

مختار سائقی، چهره آشنای کارهای طنز در گذشته است؛ از ساعت خوش و نوروز ۷۷ و نقطه چین گرفته تا پاورچین و شب‌های برره و مرد هزار چهره. سائقی البته در سریال‌های خاطره‌انگیز و ماندگار دیگری از جمله عطر گل یاس، تعطیلات نوروزی، وکلای جوان، شوق پرواز و کلاه پهلوی نیز به ایفای نقش پرداخته است.

این بازیگر پیشکسوت گرچه در نقش‌های متفاوتی ظاهر شده، اما مخاطبان تلویزیون، بیشتر او را با شخصیت‌های منفی به یاد می‌آورند. موضوعی که خود سائقی از بابتش سخت‌گلايه دارد و تاکید می‌کند از پیشنهاد این همه نقش منفی و به‌ویژه افراد معتاد خسته شده است. او ضمن این پرسش را مطرح می‌کند که چرا همیشه باید

نقش کوتاه را بازی کند، در حالی که توانایی ایفای نقش‌های اصلی را هم دارد و قابلیت‌هایش را به اثبات رسانده است؟ سائقی در گفت‌وگو با ما همچنین خاطره بازی هم با سریال‌هایی مانند عطر گل یاس و تعطیلات نوروزی دارد و یاد می‌کند از بازیگران این سریال‌ها که دیگر در قید حیات نیستند.



آخرین حضور شما در تلویزیون به سریال رستگاری بازمی‌گردد. واکنش‌ها و بازخوردها چگونه بود؟

فکر می‌کنم سریال خوبی بود، اما به نظر خودم آن قدر که باید و شاید دیده نشد. معمولاً هر وقت قرار است با آقای دهنمکی کار کنم یک نقش منفی برایم کنار می‌گذارد. نمی‌دانم چرا نقش مثبت به من نمی‌دهند، حتی نقشم در سریالی که جدیداً قراردادش را بسته‌ام، هم منفی است. باز خوب است که دیگر از پیشنهاد نقش معتاد کوتاه آمده‌اند. با وجودی که ۱۹ سال است حتی لب به سیگار نزده‌ام، اما همچنان عده‌ای از دوستان نقش معتاد را پیشنهاد می‌دهند که البته قبول نمی‌کنم.

این روزها چه می‌کنید؟

در حال بازی در سریالی هستم که نمی‌توانم درباره جزئیاتش اطلاع‌رسانی کنم. برای سریال حکایت‌های کمال ۲، کار آقای صلح می‌زایی هم قرارداد بسته‌ام که کار را اوایل مهرماه شروع می‌کنیم. در حال تمرین نمایشی هستم که آن هم اول مهرماه روی صحنه می‌رود.

اگر موافق باشید از سوالات تکراری که قبلاً در مصاحبه‌ها به آنها پاسخ داده‌اید، بگذریم و کمی خاطره بازی کنیم. اولین بازی شما در تلویزیون به سریال عطر گل یاس بازمی‌گردد. نقش یک موتورسوار را داشتید که به عمد با محمود (اکبر زنجان‌پور) تصادف می‌کند. خاطراتان هست؟

البته فکر می‌کنم قبل از عطر گل یاس در سریال دیگری هم بازی کرده بودم. سریال عطر گل یاس یک کار فوق‌العاده بود. نقشم در این سریال برای خودم هم دلچسب بود. ماجرا مربوط به ۳۳ سال پیش است و آن زمان ۲۰ ساله بودم؛ نقش جوانی را بازی می‌کردم که نیازمند بود و پول می‌گرفت تا به عمد یکی را زیر بگیرد. کار با استادانی مثل آقایان شنگله و زنجان‌پور واقعاً برایم دلچسب بود. خود آقای زرین‌پور هم فوق‌العاده بودند.

راز ماندگاری سریال‌هایی مانند عطر گل یاس را در چه می‌دانید؟

آدم‌های این سریال شبیه حرف‌هایشان بودند و مردم با آنها همذات‌پنداری می‌کردند. آن زمان خیلی‌ها که در فامیل با هم قهر بودند با دیدن سریال عطر گل یاس هر کاری می‌کردند تا اشتی کنند. آن دوران همه از حال هم‌خبرداشتند و صمیمیت و صداقت رواج داشت؛ مثل الان نبود که همه در آپارتمان هستند و کسی از حال دیگری خبر ندارد. متأسفانه حتی برادرها و خواهرها هم با یکدیگر قهر هستند و همه زندگی‌ها رقابتی شده است. بعضی‌ها دیگر مرام و معرفت و انسانیت کاری ندارند. آدم‌های این سریال واقعی بودند و به همین خاطر، باورپذیر به نظر می‌رسیدند.

پس از عطر گل یاس در سریال تعطیلات نوروزی بازی کردید که شاید اولین سریال مناسبی نوروزی تلویزیون بود و خیلی هم با استقبال مواجه شد.

متأسفانه تمام بازیگران این سریال فوت کرده‌اند الا من و عباس محبوب. در تعطیلات نوروزی با بازیگرانی کار می‌کردیم که برای خودشان سلاطین بودند. زنده‌یادان اسماعیل داورفر، محمود بهرامی، پروین سلیمانی، ورشوچی، فرخ‌لقا هوشمند و کیومرث ملک‌مطیعی جواهرهایی بودند که دیگر بین ما نیستند. من نقش شاگرد یک هتل در شمال را بازی می‌کردم که پول می‌گرفتم تا بروم سر از کار دیگر مسافران دریابورم و خبر بدهم.

پیشنهادهایی که بعد از عطر گل یاس و تعطیلات نوروزی داشتید چقدر متأثر از نقش‌های منفی و خاکستری این دو سریال بود؟

قطعاً تأثیر داشت. دیگر شخصیت مختار سائقی در نقش منفی جا افتاد و در خیلی از کارها دیده شد، البته بزرگ‌ترین شانس زندگی‌ام آشنایی با آقای مدیری بود. سال ۱۳۷۳ همکاری را در ساعت خوش با ایشان آغاز کردم و این همکاری در سریال‌های دیگری مثل نقطه چین، پاورچین، شب‌های برره و مرد هزار چهره ادامه پیدا کرد که برای من اعتبار زیادی به همراه داشت. خوشبختانه نقشم در کارهای آقای مدیری نه فقط منفی نبود که وجه طنز هم داشت. هنوز هم بسیاری از مردم مرا به یاد سریال شب‌های برره به اسم سرجوخه صدا می‌زنند.

شما یکی از بازیگران مجموعه ساعت خوش هم هستید. این مجموعه برای خیلی از بازیگرانش سکوی پرتاب شد، اما این اتفاق برای شما و برخی از دیگر بازیگران نیفتاد. دلیلش چه بود؟

همین امروز برای سریالی قرارداد بستم که آقای عطاران نقش اصلی‌اش را بازی می‌کند. به ایشان گفتم که الان سال ۱۴۰۳ است و ۳۰ سال پیش در ساعت خوش با هم بودیم. نمی‌دانم چرا اسم مراد قسمت سایر بازیگران ساعت خوش می‌آوردند و نه بازیگران اصلی. همیشه از من می‌پرسند که چرا با وجود توانایی‌هایی که داری همیشه نقش‌های کوتاه را بازی می‌کنی؟! البته به شانس هم بستگی دارد. نمونه بارزش پژمان جمشیدی است که در کنار توانایی، شانس هم دارد. شانس او آشنایی با پیمان قاسم‌خانی در ابتدای کارش بود که حاصلش شد سریال «پژمان». ابتدا که جمشیدی وارد عرصه بازیگری شد خیلی‌ها اعتراض می‌کردند که چرا یک فوتبالیست بازیگر شده و می‌خواهد نان ما را آجر کند، اما من همیشه گفتم که سهم هر کسی از قبل تعیین شده است. به هر حال، این اتفاق برای بعضی‌ها می‌افتد و برای برخی از بازیگران هم نمی‌افتد. مثلاً برای من تقدیر شده که فقط نقش منفی بازی کنم. با این حال، برای خودم مهم این است که درست و سالم زندگی کنم.

در ساعت خوش چه نقش‌هایی را بازی می‌کردید؟

چند نقش مختلف را داشتم. در سکانس‌هایی که رضا شفیعی‌جم می‌نوشت من استاد کاراته بودم. نقش یک

پیرمردی را هم با صدای پدر زیتو بازی می‌کردم. اتفاقاً همین نقش باعث شد که آقای مدیری برای کار پاورچین با من تماس بگیرد و بخواهد نقش یکی از سه پیرمرد این سریال را بازی کنم.

به همکاری مستمرتان با مهران مدیری اشاره کردید. به نقش‌های طنز چقدر علاقه دارید؟

هیچ فرقی برای من نمی‌کند. نقشی که به تازگی قراردادش را بسته‌ام کاملاً منفی است، یعنی هیچ وجهی از انسانیت در آن وجود ندارد. خودم در زندگی واقعی روزی نیست که کتابی را ورق نزنم و شعری را نخوانم. آدم احساساتی هم هستم و به قول معروف اشکم دم مشکم است. نقش‌هایی که بازی می‌کنم با خود واقعی‌ام خیلی فاصله دارند. با این حال، برایم مهم است هر نقشی را طوری بازی کنم که واقعی به نظر برسد. مهم این است که بازیگر بتواند از خود واقعی‌اش فاصله بگیرد و کار متفاوتی را ارائه دهد که برای مخاطب باورپذیر باشد. مثلاً در سریال پنجمین خورشید نقش یک معتاد را بازی می‌کردم که بعدها خیلی‌ها می‌پرسیدند چیزی مصرف کرده بودی؟ همین باعث می‌شود که فکر کنم به خوبی از پس نقش برآمده‌ام. خودم احساس می‌کنم جایگاه و پایگاهی مخصوص بین مردم دارم و دوستم دارند و محبوب هستم. من هم برایشان احترام قائلم و دستان‌شان را می‌بوسم.

شما در سریال‌های خاطره‌انگیز و ماندگار زیادی مانند عطر گل یاس، تعطیلات نوروزی، ساعت خوش، زیر آسمان شهر، شب‌های برره، ترش و شیرین، سه در چهار و... بازی کرده‌اید. سریال و نقش محبوب‌تان کدام است؟

همه این سریال‌های قدیمی را دوست دارم، اما کارهای آقای مدیری برایم جایگاه ویژه‌ای دارند. نقشی که در ذهن مردم مانده و خودم هم خیلی دوستش دارم سرجوخه شب‌های برره است. سرجوخه آدم غریبی بود و میان بره‌ای‌ها تنها به نظر می‌رسید. سه قسمت اول را با لهجه یزدی حرف زدم اما بعدش آقای مدیری گفت همان تهرانی باش که کیانوش، تنها چیه تهران سریال نباشد. در هر صورت، این نقش خیلی خوب دیده شد.

شغل اصلی‌تان بازیگری است؟

بله متأسفانه. البته به غیر از بازیگری کار تبلیغاتی هم می‌کنم. حقوق بازیگری‌های من سینما را هم دارم که البته آن را یکجا به صاحبخانه می‌دهم.

به حق‌تان در بازیگری رسیدید؟

نه. البته شاید از هر بازیگری این سؤال را بپرسید همین جواب را بدهد. توانایی‌اش را دارم اما کارم آنچنان که باید و شاید دیده نشده است. وقتی کتاب فرهنگ بازیگران سینمای ایران را نگاه کنید جلوی اسم من نوشته: «مختار سائقی بازیگر نقش‌های کوتاه». انگار روی پیشانی من نوشته فقط باید نقش کوتاه بازی کنم. چرا این‌گونه جا افتاده است؟ خب طبیعتاً از این به بعد هم همین‌گونه خواهد بود. سن و سالم هم بالا رفته و دیگر جوان نیستیم. به بازیگران سن بالا نقش اصلی نمی‌دهند و مگر چقدر نقش عمو و دایی وجود دارد که من بازی کنم؟